

تاریخ برای آمریکا به پایان رسیده ولی برای انقلاب اسلامی به پرچمداری ایران اسلامی تازه آغاز شده و دنیا شاهد تولد قطب قدرتمند اسلام به رهبری و پرچمداری خمینی و خامنه‌ای است.

حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان؛



حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان نوشت:

انقلاب اسلامی بازگشت دوباره به اسلام ناب محمدی(ص) و احیای بعثت و یا بعثت دوباره بود. به گزارش اسپادانا خبر، او در یادداشتی نوشته است:

۱- اولین سال از قرن پانزدهم را در حالی آغاز می‌کنیم که یکی از بزرگ‌ترین و سرنوشت‌سازترین رخداد تاریخ را در میانه قرن گذشته شاهد بوده‌ایم. انقلاب اسلامی بازگشت دوباره به اسلام ناب محمدی(ص) بود و به بیان دیگر، احیای بعثت و یا بعثت دوباره بود. نه آنکه در بعثت دوباره، آموزه‌هایی متفاوت از آنچه پیش از این بوده است آمده باشد بلکه با انقلاب اسلامی، اسلام ناب محمدی(ص) بار دیگر بعد از ۱۴ قرن بر کرسی حاکمیت نشست. اسلام ناب، پیش از این هم بود اما در کتاب‌ها و در ذهن برخی از عالمان دینی بود. در عرصه تئوری بود و نه در میدان عمل. نسخه شفا بخش بود اما پیچیده نشده بود. اتفاقی که افتاده بود اینکه امام راحل ما (رضوان‌الله تعالی علیه) اسلام ناب محمدی(ص) را از میان کتاب‌ها و کتابخانه‌ها بیرون آورده و غبار غلیظی از بدعت‌ها و تحریف‌ها و کج‌اندیشی‌ها که طی قرن‌های متمادی بر چهره آن نشست بود را زدوده و اسلام ناب را همان‌گونه که در صدر بود ارائه کرده بود... داستان پُرماجرای ما و هجوم همه‌جانبه نظام سلطه بین‌المللی و دنباله‌های ریز و درشت آن‌ها دقیقاً از همین نقطه آغاز شد. هجومی که طی ۴۳ سال گذشته بی‌وقفه ادامه داشته است. اما چرا؟

۲- اسلام ناب، ظلم‌ستیز است و اسلامی که ظلم‌ستیز نباشد اسلام نیست، «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ / ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل) نازل کردیم تا مردم به عدل و داد قیام کنند» اسلامی که به پُرخوری مرفهان بی‌درد و کلان‌سرمایه‌داران و ظلم و ستم آنان در کنار فقر محرومان و مستضعفان تن بدهد، اسلام نیست، نام آن به تعبیر حکیمانه حضرت امام، اسلام آمریکایی است. بدیهی است که وقتی نسخه‌ای با این خصوصیت بر کرسی حاکمیت می‌نشیند و قرار است عملیاتی شود اولین اتفاقی که خواهد افتاد - و دیدیم که اتفاق افتاد - آن است که نظام سلطه بین‌الملل در مقابل آن قد علم کرده و به دشمنی برمی‌خیزد. چرا که نظامی با این ویژگی، موجودیت نظام سلطه را به چالش می‌کشد. به بیان دیگر درگیری نظام اسلامی با نظام سلطه «ماهوی» است و از ماهیت طرفین ریشه می‌گیرد. این درگیری فقط هنگامی پایان می‌یابد که یکی از دو اتفاق رخ بدهد. یا ما از حضور اسلام ناب بر کرسی حاکمیت دست بکشیم و یا نظام سلطه (که آمریکا در راس آن است) خوی استکباری خود را رها کند! و مادام که یکی از این دو اتفاق رخ نداده باشد درگیری ادامه خواهد داشت. میدان‌های درگیری تغییر می‌کنند ولی اصل درگیری باقی است.

۳- جان‌مایه انقلاب اسلامی و علت درگیری آن با قدرت‌های استکباری را می‌توان در پرسش خبرنگار مجله آمریکایی تایم (ماه‌های اول بعد از پیروزی انقلاب) از امام(ره) و پاسخ ایشان مشاهده کرد. خبرنگار تایم می‌گوید «شما یک زندگی جدا از دنیای جدید داشته‌اید. مباحث مربوط به اقتصاد مدرن و حقوق و روابط بین‌الملل را مطالعه نکرده‌اید تحصیلات شما در علوم اسلامی و الهی بوده است. آیا احساس نمی‌کنید باید در راهی که انتخاب کرده‌اید، تجدیدنظر کنید؟» امام خمینی(ره) در پاسخ می‌فرماید: «ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی که تا به حال به‌واسطه آن تمام مسائل جهان سنجیده می‌شد را شکسته‌ایم، ما خود چارچوب جدیدی آورده‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم. از هر عادل‌ی دفاع

می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم. حال شما اسمش را هر چه می‌خواهید بگذارید. ما این سنگ بنا را خواهیم گذاشت. امید است کسانی پیدا شوند که ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای ملل و شورای امنیت و سایر سازمان‌ها را بر این پایه بنا کنند نه بر پایه نفوذ سرمایه‌داران و قدرتمندان» و سپس می‌فرماید «آری با ضوابط شما من هیچ نمی‌دانم و بهتر است ندانم». خبرنگار تأیید در مقدمه مصاحبه خود با لحنی کنایه‌آمیز نوشته بود: «سخن از یک روحانی بزرگ شیعه در میان است که به زعم خود آمده است تا نظام حاکم بر جهان امروز را نه فقط در ایران که در همه دنیا تغییر دهد و نظامی را جایگزین کند که در آن عدالت و ظلم، روابط اجتماعی و معادلات سیاسی با معیارهای اسلامی تعریف می‌شوند!» کاش خبرنگار تأیید زنده باشد و آنچه را ناممکن می‌دانست به وضوح ببیند و اگر هم از دنیا رفته است که به مصداق «فبصرک الیوم حدید» آن واقعه عظیم را دیده است.

۴- یک مقایسه ساده میان جایگاه و شرایطی که ۴۳ سال قبل و در نقطه آغاز داشتیم و جایگاه و شرایطی که امروزه در آن قرار داریم برای دیرفهم‌ترین افراد نیز کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که طی ۴ دهه، ره چند صدساله را پیموده‌ایم و این همه در حالی است که در تمامی طول این ۴۳ سال با انواع دشمنی‌ها و حملات پی‌درپی نظام سلطه جهانی و دنباله‌های داخلی آن روبه‌رو بوده‌ایم. در متون رایج سیاسی و کلاسیک آمده است که برای ارزیابی یک نظام حکومتی تازه تاسیس دست‌کم باید سه سال از عمر آن بگذرد ولی ما هنوز بسم‌الله نگفته با انواع دشمنی‌ها و توطئه‌ها دست و پنجه نرم کرده‌ایم «تا آستین به قصد تو بالا زدیم شد... شمشیرهای تشنه به خون از کمر برون!» غائله‌های منطقه‌ای، تحریم‌ها، طرح چند کودتا، غائله گروه‌های تروریست، جنگ تحمیلی، جنگ شهرها، شلیک موشک به مناطق مسکونی، بمباران شیمیایی، جنگ نفتکش‌ها، نفوذ جاسوس‌ها در مراکز حساس نظام، ساخت جریان‌ات موازی نظیر طالبان، شیعه انگلیسی و سنی آمریکایی، به میدان آوردن گروه‌های تکفیری نظیر داعش، به‌کارگیری صد و بلکه هزاران رسانه صوتی و تصویری و مکتوب علیه جمهوری اسلامی و... برخی از توطئه‌هایی که علیه ما تدارک دیده بودند به تنهایی برای سرنگونی یک کشور قدرتمند کافی بود به عنوان مثال در جریان جنگ تحمیلی همه قدرت‌های ریز و درشت در دنیای بلوک‌بندی‌شده آن روزها، با تمامی تجهیزات و ماشین‌های جنگی و سیاسی و تبلیغاتی خود به حمایت از صدام وارد کارزار شده بودند، تانک‌های لئوپارد آلمانی، چیفتن‌های انگلیسی، موشک‌های آگزوسه و جنگنده‌های میراژ و سوپراتاندارد فرانسوی، هواپیماهای میگ و موشک‌های اسکادبی روسی، بمب‌های شیمیایی آلمانی و انگلیسی، موشک‌های ساییدایندر و هواپیماهای اوکس آمریکایی، دلارهای سعودی و کویتی و اماراتی و... ولی ما به قول امام راحل‌ما،(ره) تنهای تنها بودیم و...

۵- فرانتس فوکویاما، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی در دکتربین معروف خود با عنوان «پایان تاریخ» مدعی بود که آغاز هزاره سوم میلادی آغاز هژمونی (سلطه و فراگیری) لیبرال دموکراسی آمریکاست و همه کشورها زیر این چتر قرار خواهند گرفت اما رخدادهایی که برای فوکویاما و امثال او قابل پیش‌بینی نبود نشان داد تاریخ برای آمریکا به پایان رسیده ولی برای انقلاب اسلامی به پرچمداری ایران اسلامی، تازه آغاز شده است. به قول «اولیوت کوهن»، آغاز هزاره سوم برخلاف انتظار «فرانتس فوکویاما» نقطه «پایان تاریخ» و آغاز دوران سلطه لیبرال دموکراسی غرب بر جهان نیست بلکه دنیا شاهد تولد قطب قدرتمند اسلام به رهبری و پرچمداری خمینی و خامنه‌ای است. فوکویاما نظریه خود را پس گرفت و گفتنی است که چندی قبل او به اتفاق ۷ تن دیگر از اندیشمندان مطرح آمریکایی به نام‌های کریستوفر لین، رابات پاتنیک، آلفرد مک‌کوی، دیوید رانی، فرید زکریا، جیمز پتراس و نوام چامسکی با انتشار مقاله‌ای افول آمریکا را پیش‌بینی کرده‌اند. ایمانوئل والرشتاین، جامعه‌شناس بلندآوازه آمریکایی با نگرانی می‌گوید: «مانع اصلی پیش‌روی ما برای استقرار نظم جهانی(بخوانید کدخدایی آمریکا) دکتربین ولایت فقیه امام خمینی است... همه نظریه‌ها در گذر زمان کمرنگ و کهنه شده و به تاریخ می‌پیوندند ولی نظریه ولایت فقیه [امام] خمینی هر روز پررنگ‌تر و سرزنده‌تر می‌شود و مسلمانان بسیاری را به خود جلب می‌کند». بد نیست که سرنوشت انقلاب اسلامی را در قرن حاضر از دریچه چشم امام راحل‌مان که هرگز خطا ندیده است نیز، ببینید. می‌فرماید: «نهضت اسلامی ایران در اواخر این قرن، سرنوشت امت اسلام را در قرن آتی دگرگون خواهد نمود». (صحیفه امام، جلد ۱۰، ص ۳۶۴)

۶- و اما اگرچه همه شواهد و قرائن حکایت از آن دارند که امروزه جمهوری اسلامی ایران در قله ایستاده است ولی دشمن از توطئه و خصومت دست نکشیده است و تقابل ما و نظام سلطه کماکان ادامه دارد. دشمن اما طی ۴۳ سال گذشته همه اهرم‌هایی را که در اختیار داشته است علیه ایران اسلامی و مردم این مرز و بوم به کار گرفته و طرفی نبسته است. جنگ اقتصادی و جنگ نرم، تازه‌ترین حربه‌های حریف و شاید آخرین آنهاست که در این آوردگاه، رسانه‌ها نقش برجسته و تعیین‌کننده‌ای دارند.

۷- حالا در این بیان حکیمانه حضرت آقا که در پایان مراسم عزاداری اربعین و خطاب به جوانان فرموده‌اند دقت کنید: «به مسئله «تیبین» اهمیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تیبین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و به‌خصوص جوان‌ها، «حرکت تیبین» خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است. می‌توانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید».

۸- ما و حریف دو نقطه ضعف و قوت داریم. نقطه قوت حریف رسانه‌های فراگیر آن است و از این لحاظ با حریف فاصله داریم (که خوشبختانه این فاصله به مرور زمان کم و کمتر شده است). اما نقطه قوت ما پیام پُرچاذه، عقلایی و انسانی اسلام و انقلاب است و به قول امام راحل‌مان: «امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی(ص) است». حریف از این نقطه نظر بسیار ضعیف‌تر از آن است که توان مقابله با گفتمان ما را داشته باشد و دقیقاً به همین علت است که به جای مبادله افکار و تعامل آراء، به تقلب در پیام روی آورده است. به بیان دیگر با جرأت می‌توان گفت که در آوردگاه جنگ نرم نیز دست حریف خالی است و از این روی با توسل به انواع شگردهای روانی نظیر شبهه‌افکنی، شبیه‌سازی، دروغ‌پردازی، تحریف حقایق، سیاه‌نمایی و مخصوصاً بهره‌گیری از ستون پنجم و پادوهای خود در داخل کشور و... تلاش می‌کند تا خالی بودن دست خالی خود

را جبران کند. شاید این برداشت در نگاه اول تعجب‌آور به نظر برسد ولی تمامی شواهد و اسناد از واقعی بودن آن حکایت می‌کند که حمله آمریکا در عرصه جنگ نرم نیز از نوع تدافعی است و ضربه اول را انقلاب اسلامی بر بنیان آمریکا و متحدانش وارد آورده و اردوگاه استکبار جهانی را در هم ریخته است. ما در عرصه جنگ نرم و به تعبیر دقیق‌تر، «جهاد تبیین» نیز دست برتر و بالاتر را داریم فقط باید پاشنه آشیل حریف را بشناسیم و دقیقاً به همان نقطه شلیک کنیم... و در این‌باره گفتنی‌هایی هست.

برچسب‌ها: [حسین شریعتمداری](#) [1]

[انقلاب](#) [2]

[تاریخ](#) [3]